

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ (1)

نزدیک شد برای مردم حساب ایشان و ایشان در بی پروائی رو گردانانند. (1)

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدَّثٍ إِلَّا اسْتَمَعُوهُ وَ هُمْ يَلْعَبُونَ (2)

نمی آید ایشان را از پندی از پروردگار ایشان نو آمده مگر می شنوند آن را و ایشان بازی می کنند. (2)

لَا هِيَءَ قُلُوبُهُمْ نَسِيَةً وَ أَسْرُوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ صلی أَفْتَأْتُونَ السَّحَرَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ (3)

غافل شده دل های ایشان. و پنهان راز گفتند آنانکه ستم کردند: آیا این است مگر بشری مانند شما؟! آیا پس می آئید به جادو (قبول می کنید جادو را) و شما می بینید؟ (3)

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ صلی وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (4)

گفت: پروردگار من می داند (هر) سخن را در آسمان و زمین؛ و او است شنوا، دانا. (4)

بَلْ قَالُوا - أَمْضَعْتُ أَحْلَمٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِنَآئَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ (5)

بلکه گفتند: شوریده و پریشان خواب ها است، بلکه برباخته آن را (قرآن را)، بلکه او شاعر است، پس باید بیاید پیش ما با نشانه مانند آنچه فرستاده شد پیشینیان را. (5)

مَا ءَامَنْتُ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا صلی أ فَهَمْ يُؤْمِنُونَ (6)

نیامرد ایمان پیش از ایشان از شهری که هلاک کردیم ما آن را؛ آیا پس ایشان ایمان می آورند؟ (6)

وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي - إِلَيْهِمْ صلی فَسْئَلُوا - أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (7)

و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردان را، وحی فرستادیم ما به سوی ایشان؛ پس بپرسید مردم یاد آوری را اگر هستید شما نمی دانید. (7)

وَ مَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ مَا كَانُوا خَالِدِينَ (8)

و نساخیم ما ایشان را جسمی که نخورند غذا را و نبودند همیشه باشندگان. (8)

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمْ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَ مَن نَّشَاءُ وَ أَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ (9)

باز راست کردیم ما ایشان را وعده، پس نجات دادیم ما ایشان را و کسی را که خواستیم و هلاک کردیم ما از حد گذرنده گان را. (9)

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ صلی أ فَلَا تَعْقُلُونَ (10)

البته به یقین فرو فرستادیم ما به سوی شما کتابی که در آن است یاد شما؛ آیا پس نمی فهمید؟
(10)

وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ أَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا ءَاخِرِينَ (11)
و چقدر درهم شکستیم ما از شهری که بود ستم گار و نو پیدا کردیم بعد ایشان گروه دیگری
را. (11)

فَلَمَّا أَحْسَبُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ (12)

پس چون احساس کردند عذاب ما را آنگاه ایشان از آن می گریختند. (12)

لَا تَرْكُضُوا وَ ارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أَتَرْتُمْ فِيهِ وَ مَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ (13)

نگریزید و برگردید به سوی آنچه آسوده گی داده شده بودید در آن و منزل های خود تا بود
پرسیده شوید. (13)

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (14)

گفتند: ای وای ما را هر آینه ما بودیم ما ستم گاران. (14)

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ (15)

پس نرسید به پایان این فریاد و صدای ایشان تا اینکه ساختیم ما ایشان را درویده از بین
رفته. (15)

وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ (16)

و نه آفریدیم ما آسمان را و زمین را و آنچه میان آنها است بازی کنان. (16)

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُمْ لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ (17)

اگر می خواستیم ما که بگیریم بازی ئی البته می گرفتیم آن را از جانب خود اگر می بودیم
ما کننده گان. (17)

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (18)

بلکه می اندازیم ما حق را بر باطل پس می شکنند سرش را پس آنگاه او نابود شده است. و
برای شما وای است از آنچه می کنید بیان. (18)

وَ لَهُمْ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَن عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ
(19)

و برای او است آنکه در آسمان ها و زمین است. و کسی که نزد او است نمی کنند سرکشی
از پرستش او و نه مانده می شوند. (19)

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (20)

به پاکی یاد می کنند شب و روز، نمی کنند سستی. (20)

أَمْ اتَّخَذُوا آلَ الْهَيْهَةِ مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ (21)

یا گرفتند معبودان از زمین که ایشان بر می انگیزند؟ (21)

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلَ الْهَيْهَةِ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ (22)

اگر می بود در آنها (آسمانها و زمین) معبودان مگر خدا البته تباہ می شد هر دو. پس پاکی است خدا را پروردگار العرش (بلند است او) از آنچه بیان می کنند. (22)

لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ (23)

نمی شود پرسیده (خدا) از آنچه می کند و ایشان پرسیده می شوند. (23)

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلَ الْهَيْهَةِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ص لِي هَذَا ذِكْرٌ مَنْ مَعِيَ وَ ذِكْرٌ مَنْ قَبْلِي ص بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ ص لَهُمْ مُعْرِضُونَ (24)

یا گرفتند از غیر او (خدا) معبودانی؟ بگو: بیاورید دلیل خود را؛ این است یاد آوری (برای) کسانی که همراهان من هستند و یاد آوری (برای) کسان پیش از من. بلکه بسیاری ایشان نمی دانند حق را؛ پس ایشان روگردانانند. (24)

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيْهِ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ (25)

و فرستادیم ما از پیش تو از پیغمبری مگر وحی فرستادیم ما به سوی او اینکه آن نیست معبودی مگر من پس بپرستید مرا. (25)

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا ص لِي سُبْحَانَ اللَّهِ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ (26)

و گفتند: گرفته است الرحمن فرزندی. پاک است او. بلکه بنده گان گرامی اند. (26)

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ (27)

نمی کنند پیش دستی او را به سخن و ایشان به فرمان او می کنند کار. (27)

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَ هُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُّشْفِقُونَ (28)

می داند آنچه میان دست ها (پیش روی) ایشان (است) و آنچه پشت سر ایشان (است) و نمی کنند شفاعت مگر برای کسی که خوشنود شده است (خدا) و ایشان از ترس او هراسانند.

(28)

وَ مَنْ يَفْلِحُ مِنْهُمْ إِنْى - إِلَهٌ مِّنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ (29)

و هر که بگوید از ایشان: هر آینه من معبودم از غیر او پس این جزا می دهیم ما او را دوزخ. همچنین جزا می دهیم ما ستم گاران را. (29)

أَوْ لَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا - أَنْ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ص وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ص أَ فَلَا يُؤْمِنُونَ (30)

آیا ندیدند آنانکه نا معتقد شدند اینکه آسمان ها و زمین بودند یکجا پس جدا ساختیم ما آن دو را؛ و ساختیم ما از آب هر چیز زنده را؛ آیا پس نمی آورند ایمان؟ (30)

وَ جَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَ جَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (31)

و ساختیم ما در زمین کوه های محکم را تا نجنبد با آنها و ساختیم ما در آن وسیع راه ها تا باشد ایشان راه یاب شوند. (31)

وَ جَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْفًا مَّحْفُوظًا صلی وَ هُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (32)

و ساختیم ما آسمان را پوششی نگاه داشته شده؛ و ایشان از نشانه های آن (آسمان) رو گردانانند. (32)

وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ صلی كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ (33)

و او است آنکه آفرید شب را و روز را و آفتاب را و مهتاب را؛ همه در مداری شنا می کنند. (33)

وَ مَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ الْخُلْدَ صلی أَمْ فَإِن مَّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ (34)

و نساختیم ما برای بشری از پیش تو همیشه بودن را؛ آیا پس اگر بمیری تو پس ایشان همیشه باشند گانند؟ (34)

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ صلی وَ نَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً صلی وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (35)

همه نفس چشنده مرگ است. و می آزمائیم ما شما را به بدی و خوبی آزمائشی؛ و به سوی ما برگردانیده می شوید. (35)

وَ إِذَا رَأَى الَّذِينَ كَفَرُوا صلی إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَمْ هَذَا الَّذِي يَذْكُرُ ءَالِهَتَكُمْ وَ هُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ (36)

و وقتی که دیدند ترا آنانکه نا معتقد شدند نمی گیرند ترا مگر به مسخره گی، آیا این است آنکه یاد می کند (به عیب جوئی و تحقیر) معبودان شما را؟ و ایشان به یاد آوری الرحمن ایشانند نا معتقدان. (36)

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ صلی سَأْرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونَ (37)

آفریده شده است انسان از عجله. به زودی نشان می دهم شما را نشانه های خود را پس نکنید شتاب. (37)

وَ يَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (38)

و می گویند: چه وقت است این وعده اگر هستید راست گویان؟ (38)

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُونُونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارُ وَ لَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَ لَا هُمْ يُنصَرُونَ (39)

اگر می دانستند آنانکه نا معتقد شدند وقتی که نمی توانند باز دارند از روی های شان آتش را و نه از پشت های ایشان و نه ایشان یاری کرده می شوند؟ (39)

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَ لَا هُمْ يُنظَرُونَ (40)

بلکه بیاید به ایشان (قیامت) ناگهانی پس حیران گرداند ایشان را پس نتوانند برگرداندن آن و نه ایشان مهلت داده می شوند. (40)

و لَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (41)
و البته به یقین تمسخر کرده شد به پیغمبران از پیش تو پس در بر گرفت به آنانکه تمسخر کردند از ایشان آنچه بودند به آن تمسخر می کردند. (41)

قُلْ مَنْ يَكْفُرْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ فَلْيَلْمِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ (42)
بگو: چه کسی می تواند نگاه دارد شما را در شب و روز از الرحمن؟ بلکه ایشان از یاد پروردگار شان روگردانانند. (42)

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِّنَّا يُصْحَبُونَ (43)
یا برای ایشان معبودانند که نگاه می دارد ایشان را از غیر ما؟ نمی توانند یاری خویشان را و نه ایشان از ما پناه داده می شوند. (43)

بَلْ مَتَّعْنَا هِيَ أُولَآءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَمْ لَهُمُ الْعَالَمُونَ (44)

بلکه بهره مند ساختیم ما اینها و پدران ایشان را تا اینکه دراز شد بر ایشان عمر. آیا پس نمی ببینند اینکه ما می آئیم زمین را، کم می کنیم آن را از جوانب آن؟ آیا پس ایشانند تسلط یافته گان؟ (44)

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ (45)
بگو: جز این نیست که بیم می دهم شما را به وحی. و نمی شنود کر صدا را وقتیکه آنچه بیم داده می شوند. (45)

و لَئِن مَّسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (46)
و البته اگر برسد ایشان را شمه از عذاب پروردگار تو البته می گویند: ای وای ما را هر آینه ما بودیم ستم گاران. (46)

و نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ (47)

و بگذاریم ترازوی عدالت را در روز قیامت پس نشود ستم نفسی چیزی؛ و اگر بود وزن دانه از خردل بیاوریم ما آن را به آن. و بس است به ما حساب گیرنده گان. (47)

و لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَ هَارُونَ الْفُرْقَانَ وَ ضِيَاءً وَ ذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ (48)
و البته به یقین دادیم ما موسی و هارون را (کتاب) فیصله کننده و روشنی ئی و پندی برای پرهیزگاران. (48)

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ هُمْ مِّن السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ (49)

آنانکه خوف می کنند پروردگار شان را به نا دیده گی و ایشان از قیامت هراسانند. (49)
وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَ فَاتُّمُّ لَهُ مُنْكَرُونَ (50)

و این (قرآن) است پندی با برکت شده فرو فرستادیم ما آن را. آیا پس شما برای آن انکار کننده گانید؟ (50)

وَ لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا بِهِ عَالِمِينَ (51)

و البته به یقین دادیم ما ابراهیم را راه یابی او را از پیش و بودیم به او دانایان. (51)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي - أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (52)

چون گفت برای پدر خود و قوم خود: چیست این مجسمه ها آنکه شما برای آنها وقت وقف کننده گانید؟ (52)

قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ (53)

گفتند: یافتیم ما پدران ما را برای آنها پرستنده گان. (53)

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (54)

گفت: البته به یقین بودید شما و پدران شما در گمراهی آشکار. (54)

قَالُوا - أَمْ جِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ (55)

گفتند: آیا آمده ئی به ما با سخن راستی یا هستی تو از بازی کننده گان؟ (55)

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَ أَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ (56)

گفت: بلکه پروردگار شما پروردگار آسمان ها و زمین است آنکه آفریده است آنها را و من بر اینها از گواهانم. (56)

وَ تَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ (57)

و قسم به خدا البته دسیسه کنم بتان شما را بعد اینکه رو می گردانید پشت کرده گان. (57)

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ (58)

پس ساخت ایشان را توته، توته مگر بزرگ از ایشان را تا بُود ایشان به سوی او برگردند. (58)

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ (59)

گفتند: که کرد این را به معبودان ما؟ هر آئینه او البته از ستم گاران است. (59)

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ - إِبْرَاهِيمُ (60)

گفتند: شنیدیم جوانی را که یاد می کند (به تحقیر) ایشان (بتان) را، گفته می شود برای او ابراهیم. (60)

قَالُوا فَاتُّوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ (61)

گفتند: پس بیاورید او را پیش چشم های مردم تا بُود ایشان گواهی دهند. (61)

قَالُوا ۗ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ (62)

گفتند: آیا تو کرده ئی این را به معبودان ما ای ابراهیم؟ (62)

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ (63)

گفت: بلکه کرده است آن را بزرگ ایشان این پس پرسید ایشان را اگر بودند (هستند) سخن می گویند. (63)

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا ۗ إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ (64)

پس برگشتند به سوی نفس های خویش پس گفتند: هر آینه شما، شما ستم گارانید. (64)

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هِيَ ۗ وَلَا يَنْطِقُونَ (65)

باز، گردانده شدند بر سرهای خود، البته به یقین دانسته ئی تو که نیست اینها که سخن گویند. (65)

قَالَ أَ فَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ (66)

گفت: آیا پس می پرستید از غیر خدا آنچه را که نمی رساند نفع شما را چیزی و نه زیان می رساند شما را؟! (66)

أَفْ لَكُمْ وَ لِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (67)

اف برای شما و برای آنچه می پرستید از غیر خدا؛ آیا پس درک نمی کنید؟ (67)

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا ۗ ءَالَهُتِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (68)

گفتند: بسوزانید او را و یاری کنید معبودان خود را اگر هستید کننده. (68)

قُلْنَا يَبْنَؤُا كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ ۗ إِبْرَاهِيمَ (69)

گفتیم ما: ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم. (69)

وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (70)

و خواستند به او دسیسه ئی پس ساختیم ما ایشان را زیان رسیده ترین. (70)

وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (71)

و نجات دادیم ما او را و لوط را به سوی سرزمینی که برکت نهادیم ما در آنجا برای جهانیان. (71)

وَ وَهَبْنَا لَهُ ۗ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَ كَلَّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ (72)

و اعطاء کردیم ما برای او (ابراهیم) اسحاق را و یعقوب را ارمغانی (زیاده)؛ و هر یک را

ساختیم ما شائسته کاران. (72)

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ (73)

و ساختیم ما ایشان را ما پیشوایان می نمودند رهنمائی به فرمان ما و وحی فرستادیم ما به سوی ایشان کردن نیکویی ها و برپا داشتن نماز و دادن زکات؛ و بودند برای ما پرستنده گان. (73)

و لوطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَسَقِينَ (74)

و لوط را دادیم ما او را داوری و دانش و نجات دادیم ما او را از شهری آنکه بود می کرد ناپاکی ها را. هر آئینه ایشان بودند قوم بد، سرکشان قصدی. (74)

و ادْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ (75)

و در آوردیم ما او را در رحمت ما؛ هر آئینه او از شائسته کاران بود. (75)

و نُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ (76)

و نوح را وقتی که صدا کرد از پیش پس جواب دادیم ما برای او پس نجات دادیم ما او را و خانواده (و پیروان) او را از پریشانی بزرگ. (76)

و نَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (77)

و یاری دادیم ما او را از قومی که آنان به دروغ نسبت دادند به نشانه های ما. هر آئینه ایشان بودند قوم بد پس غرق ساختیم ما ایشان را همه یکجا. (77)

و دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ إِذْ يَخُكِمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَ كُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ (78)

و داوود را و سلیمان را چون داوری کردند هر دو در باره زراعت چون چرید (شبانه) در آن گوسفندان گروهی و بودیم ما برای داوری ایشان گواهان. (78)

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ (79)

پس فهمانیدیم ما آن را (داوری را) سلیمان را. و هر دو را دادیم ما داوری و دانش. و خدمت گذار ساختیم ما همراه داوود کوه ها را به پاکی یاد می کردند و پرنده گان را. و بودیم ما کننده گان. (79)

وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْهُ بِأَسْبَغْتُمْ لَكُمْ لِبَاسًا حَسَنًا لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (80)

و بیاموختیم ما او را ساختن لباسی را (زره حلقه ئی) برای شما تا محافظه کند شما را از جنگ شما؛ پس آیا هستید شما سپاس گذاران؟ (80)

وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ كُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ

(81)

و برای سلیمان (خدمت گذار ساختیم ما) شمال را به تندی وزنده، می رفت به فرمان او به سوی زمین آنکه برکت نهادیم ما در آن. و بودیم ما به همه چیز دانایان. (81)

وَ مِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يَغْوُصُونَ لَهُمْ وَ يَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ صلى وَ كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (82)

و از شیطان ها (خدمت گذار ساختیم ما) کسانی که می رفتند زیر آب برای او و می کردند کاری غیر این؛ و بودیم ما برای ایشان نگاه دارنده گان. (82)

وَ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (83)

و ایوب را چون صدا کرد پروردگار خود را اینکه رسیده است مرا رنج و تویی با رحم ترین رحم کننده گان. (83)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ صلى وَ ءَاتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَ ذِكْرًا لِلْعَابِدِينَ (84)

پس جواب دادیم ما برای او پس برداشتیم ما آنچه بود به او از رنج؛ و دادیم ما او را خانواده او را و مانند ایشان همراه ایشان رحمتی از جانب ما و پندی برای پرستش کننده گان. (84)

وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِدْرِيسَ وَ ذَا الْكُفْلِ صلى كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ (85)

و اسماعیل را و ادريس را و ذوالکفل را؛ همه از شکیبایان. (85)

وَ أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا صلى إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ (86)

و درآوردیم ما ایشان را در رحمت ما؛ هر آئینه ایشان (بودند) از نیکوکاران. (86)

وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْرَضًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نُّقَدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (87)

و ذوالنون را چون رفت خشمناک پس گمان کرد که نمی گیریم ما تنگ بر او پس صدا کرد در تاریکی ها اینکه: نیست معبودی مگر تو، پاکی است ترا هر آئینه من بودم از ستم گاران. (87)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ نَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمَّةِ وَ كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (88)

پس جواب دادیم ما برای او و نجات دادیم ما او را از رنج. و این چنین نجات می دهیم ما ایمان آورنده گان را. (88)

وَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ (89)

و زکریا را چون صدا کرد پروردگار خود را، ای پروردگار من: نگذار مرا تنها و تویی بهترین وارثان. (89)

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَ أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ صلى إِنَّهُمْ كَانُوا يُسْـَٔرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يُدْعُونَآ رَغْبًا وَ رَهْبًا صلى وَ كَانُوا لَنَا حَاشِعِينَ (90)

پس جواب دادیم ما برای او و اعطاء کردیم ما برای او یحیی را و نیکو ساختیم ما برای او زن او را. هر آئینه ایشان بودند می کوشیدند در نیکو کاری ها و می خواندند ما را به توقع و ترس؛ و بودند برای ما خشوع کننده گان. (90)

وَ الَّتِي - أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَفَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَ جَعَلْنَاهَا وَ ابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ (91)
و آن زنیکه مصئون نگاه داشت عفت خود را پس دمیدیم ما در او از روح ما و ساختیم ما او را و پسرش را نشانه برای جهانیان. (91)

إِنَّ هَذِهِ - أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (92)
هر آئینه این است ملت شما ملت یگانه و من پروردگار شما هستم پس بپرستید مرا. (92)
وَ تَقَطَّعُوا - أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ صِلَى كُلِّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ (93)

و قطع کردند کار شان را در میان ایشان؛ همه به سوی ما برگرد کننده گانند. (93)
فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَ إِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ (94)
پس کسی که می کند از کار های شائسته و او ایمان آورنده است پس نیست رد کردن برای کوشش او و هر آئینه ما برای او نویسنده گانیم. (94)
وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ (95)

و حرام (نا ممکن) است بر شهری که ما هلاک کردیم آن را اینکه ایشان نکنند برگرد. (95)

حَتَّى - إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ وَ هُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (96)
تا اینکه وقتیکه باز کرده شد یأجوج و مأجوج و ایشان از هر بلندی به شتاب پائین می شوند. (96)

وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ - شَخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَوْتِلُنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ (97)

و نزدیک شد وعده حق پس آنگاه آن حیران مانده چشم های آنانکه نا معتقد شدند، ای وای بر ما به یقین بودیم ما در بی خبری و بی پروائی از این بلکه بودیم ما ستم گاران. (97)
إِنَّكُمْ وَ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ (98)

هر آئینه شما و آنچه می پرستید از غیر خدا هیزم دوزخ باشید شما بر آن در آینده گانید. (98)
لَوْ كَانَ هِيَ - أَوْ لَاءِ ءَالِهَةً مَّا وَرَدُوها صِلَى وَ كُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ (99)

اگر بودی اینها معبودان نمی شدند در آینده در آن؛ و همه در آن همیشه باشند گان باشند. (99)

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ هُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ (100)

برای ایشان در آنجا ناله است و ایشان در آنجا نمی شنوند. (100)

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِّنَ الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ (101)

هرآئینه آنانکه از پیش صادر شد برای ایشان از جانب ما نیکویی، این ها از آن (دوزخ) دور کرده می شوند. (101)

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا ۖ وَ هُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنفُسُهُمْ خَالِدُونَ (102)

نمی شنوند صدای آن را؛ و ایشان در آنچه خواهد نفس های شان همیشه باشند گانند. (102)

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَ تَتَلَقَّوهُمُ الْمَلَىٰ ۖ نِكَاهٌ هَٰذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (103)

نمی سازد غمگین ایشان را بزرگترین ترس و ملاقات می کنند با ایشان فرشته گان (می گویند برای شان) این است روز شما آنکه بودید وعده داده می شدید. (103)

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ ۖ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ ۖ وَ عَدَا عَلَيْنَا ۖ إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (104)

روزی که می پیچانیم ما آسمان را مانند پیچاندن السجل برای کتاب ها. چنانکه شروع کردیم ما آفرینش اول را دوباره آفرینیم آن را. وعده است بر ما. هرآئینه ما هستیم کننده گان.

(104)

وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنۢ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ (105)

و البته به یقین نوشتیم ما در زبور از بعد الذکر اینکه زمین را وارث می شوند آن را بنده گان نیکوکار من. (105)

إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ (106)

هرآئینه در این البته اعلامی است برای گروه پرستنده گان. (106)

وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (107)

و نفرستادیم ما ترا مگر رحمتی برای جهانیان. (107)

قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ ۖ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ (108)

بگو: جز این نیست که وحی کرده می شود به سوی من اینکه است پروردگار شما پروردگار یگانه؛ پس آیا شما تسلیم شده گانید؟ (108)

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَعَلَّآ ءَادَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۖ وَإِنِ أَدْرَىٰ ۖ أَ قَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ (109)

پس اگر رو برگردانیدند پس بگو: اعلام کردم برای شما بر برابری؛ و نمی دانم من آیا نزدیک است یا دور آنچه وعده داده می شوید. (109)

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ (110)

هر آئینه او می داند آشکار را از سخن و می داند آنچه پنهان می کنید. (110)

وَ إِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَّعٌ إِلَيَّ حِينٍ (111)

و نمی دانم من شاید آن آزمایشی است برای شما و بهره مندی ئی تا مدتی. (111)

قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ هُوَ وَ رَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ (112)

گفت: ای پروردگار من داوری کن به حق. و (گفت:) پروردگار ما الرحمن است از او مدد

طلب کرده می شود بر آنچه بیان می کنید. (112)